

اعضای کلیسای عزیز،

ما از خدا، پدرمان و خداوند عیسی مسیح برای شما فیض و صلح آرزو می‌کنیم!
این‌گونه است که پولس در نامه دوم خود به جماعت قرنتس سلام می‌کند و بدین ترتیب به همه، از جمله ما که آن نامه را با اعتماد به عیسی می‌خوانیم، سلام می‌کند.

Lätare - شاد باشید... این عنوان یکشنبه است.

چگونه می‌توانم امروز خوشحال باشم؟!
من کاملاً شادی خود را از دست داده‌ام. و صلح وجود ندارد، نه در جای کوچک و نه در جهان بزرگ ما.
من متوجه هستم که بسیاری از مردم همان احساس را دارند که من دارم -
جهان افسرده است، بسیاری استعفا داده‌اند و ناامید هستند.
چندی پیش از کتاب اشعیا صحبت از تسلی دادن بود:
سپس خداوند می‌گوید:
همانطور که مادر به فرزندش دلداری می‌دهد، تو را دلداری می‌دهم.
عکسی زیبا از عشق خدا.
خدایی که فرزندان غمگین و گریان مستاصل را مانند مادری خوب در آغوش می‌گیرد.
تصویری که اطمینان و امنیت را منتقل می‌کند.

تسلی چیست؟

تسلی چگونه باید باشد که تسلی معنی دهد؟
مطمئناً اینطور نیست که کسی بگوید:
گوش هایت را سفت نگه دار، دوباره همه چی خوب می‌شود...
تسلی، تشویق است یا چیز دیگری است؟
آیا شادی از دلداری و تسلی می‌آید؟
پولس در ابتدای کتاب دوم قرن‌تینان کمتر از ده بار از تسلی و تسلی دادن صحبت می‌کند، یا همانطور که در ترجمه کتاب مقدس اصلی "تشویق" و "تشویق کردن" آمده است.

ستایش خدای پدر خداوند ما عیسی مسیح!

او پدری است که به ما رحم می‌کند و خدایی که با او دلگرمی می‌یابیم.
او ما را در تمام نیازهایمان تشویق می‌کند.

خدای اسرائیل که قوم خود را تسلی می‌دهد پدر عیسی است.

و او پدر همه ماست. ما در او آرامش پیدا می‌کنیم.

کلمه اینجا در یونانی *parakalein* است.

من واقعاً دوست دارم بدانم واقعاً چه معنایی دارد!

منظور از آن در آن زمان، در زمان‌های کتاب مقدس، به چه معنی است؟

تقریباً تمام احتمالات ترجمه مربوط به -غلبه بر فاصله- است به معنیه: احضار، تماس برای کمک، درخواست... و نیز: دلداری دادن، سخن گفتن، تشویق کردن.
این دقیقاً همان چیزی است که به نظر من بسیار دشوار است.
برای دادن آرامش، برای تشویق... کلمات می توانند من را شکست دهند.
اما آیا ما همیشه به کلمات برای تسلی دادن نیاز داریم؟
بر فاصله غلبه کن-

فقط نزدیک بودن به شخص دیگری باعث آرامش می شود.
این در کتاب مقدس عهد عتیق با ایوب روشن می شود.
ایوب همه چیزش را از دست داد - دارایی هایش، فرزندانش، سلامتی اش.
دوستانش از بدبختی او می شنوند.
سپس نزد او می آیند تا او را دلداری دهند.
چگونه می توانند به چنین ضایعه وحشتناک، چنین رنج بزرگی پاسخ مناسبی بدهند؟
وقتی می بینند درد او چقدر بزرگ است با او می نشینند و به او کلمه ای نمی گویند.
مدت طولانی - کتاب مقدس از هفت روز صحبت می کند - در سکوت با او نشستن.
و شکستن سکوت را به ایوب واگذار می کنند.

سی و پنج سال گذشته است. من خیلی واضح به یاد دارم:
یک دوست خوب فرزندش شش ماهه خود را از دست داد: مرگ ناگهانی نوزاد. به خواب رفت و دیگر بیدار نشد و خیلی غیر قابل پیش بینی. یک کودک به ظاهر کاملاً سالم اما مرده
چگونه می توانم این مادر را آرام کنم؟
چگونه به او در ناامیدی کمک کنم؟
رفتم و با او سر میز نشستیم. به او گوش داد
احتمالاً با او گریه کرده ام، یادم نمی آید.
من خودم مات و مبهوت بودم.
اما او بعداً به من گفت که این دقیقاً همان کاری بود که من به خوبی انجام دادم. او احساس می کرد درک شده است.
جملاتی مانند: «خب، تو می توانی دوباره بچه دار شوی...!» یا: «به هر حال تو دو فرزند داری...!» یا دیگر کلمات آرام آرام، ناآرامی او را تمام کرده است
و بنابراین ما می توانیم افراد دیگری را که نیاز دارند تشویق کنیم.
ما نیز از خدا تشویق شده ایم.

منظور پولس چیست؟
تشویق؟ جرات دادن به دیگران؟
یا بهتر بگوییم، مانند ترجمه لوتر: راحتی، آسایش؟
شاید هر دو مورد نیاز یک انسان باشد:
اول دلداری وبعد تشویق.

بسته به موقعیت: ادامه زندگی یا شروع دوباره.

چنین شوکی که این زن جوان تجربه کرد نیاز به زمان دارد و در این مدت افرادی که فقط آنجا هستند، گوش می دهند، درک می کنند و مایل به تحمل درد هستند.

تا وقتی اشک می آید باید تحمل کرد.

من همیشه وقتی گریه می کنم خجالت می کشم ولی در واقع خوبه تسکین می دهد.

گریه فشار را از روح شما دور می کند. نوعی رهایی بخشی هست.

یک معلم بزرگ کلیسای قرون وسطی، توماس آکویناس، از قبل این را می دانست. او می نویسد:

"از طریق گریه، غم از روح جاری می شود."

و گریه کردن با کسی هم اشکالی ندارد.

اگر مناسب است، شخص مورد نظر را در آغوش خود بگیرید.

به اندوه و درد، اجازه اشک را بده، آنها را جدی بگیر -

این بسیار مهم است تا بتوانیم از دست دادن و رنج را بپذیریم.

قبول رنج و پذیرفتن آن -

پولس در نامه خود به عیسی اشاره می کند:

با این حال، ما نیز به وفور رنج خواهیم برد که مسیح تجربه کرد.

به عیسی نگاه کن

مخصوصاً الان در فصل درد.

به باغ جتسیمانی نگاه کن.

عیسی ترسیده و عمیقاً اندوهگین است.

او خیلی آرزو می کند که دوستانش با او احساس همدردی کنند، با او تماشا کنند، با او دعا کنند اما آنها نمی توانند، آنها خیلی خسته هستند.

آنها نیاز او را خیلی کم درک می کنند.

عیسی تنها ماند.

با ترسش به سمت مسیر جلو میرود:

تمسخر، درد، مرگ بی رحمانه اما فقط به پدر دعا می کند.

سوال من این هست آیا خدا نباید دخالت کند و همه چیز را درست کند!

چند بار از خدا اینطور التماس کردم.

آیا خدا نمی تواند دخالت کند؟

تا همه چیز را به سمت بهتر شدن برگردانیم؟

گاهی اوقات هیچ راهی برای عبور از سختی وجود ندارد.

عیسی راه سختی را طی کرد.

اما او می دانست که مجبور نیست به تنهایی آن راه را برود چون خدا او را شنید.

خدا او را تنها نخواهد گذاشت.

به همین دلیل است که عیسی می تواند این جمله شجاعانه را بگوید:

"اما آنطور که شما می خواهید باشد و نه آنطور که من می خواهم."

تسلی دادن یک از خودگذشتگی دارد -

گوش دادن، درک کردن، همراهی کردن، حمایت کردن.

می تواند به تشویق تبدیل شود.

در زبان عبری، آسایش عبارت است از «آن چیزی که به فرد اجازه نفس کشیدن می دهد».

می توان آن را کاملاً واضح تصور کرد: اندوه، رنج، درد مانند باری سنگین روی سینه است و نفست را می گیرد و همینطور مانع زندگی می شود.

تشویق و شجاعت برای زندگی -

اینها در زندگی اجازه تحرک می دهد.

بگذار نفس بکشی بارت سبک تر می شود واز درد خارج می شوی و بر رنج غلبه می کنی

و زندگی دوباره ممکن می شود.

اما به همین ترتیب ما تشویق هایی را که عیسی می کند به وفور تجربه می کنیم.

پولس در رابطه عمیق خود با عیسی بارها و بارها تسلی و دلگرمی می یابد.

دقیقاً در رنج است که پیوند با او را تجربه می کند.

به این ترتیب برای داشتن آرامش یک پیش نیازی مورد توجه قرار می گیرد:

کسی که هرگز رنج و درد را تجربه نکرده است نمی تواند تسلی بدهد.

من فقط می توانم آن چیزی را که به عنوان هدیه گرفته ام، باز بدهم.

پولس می خواهد مردم قرنتس را تشویق کند -

آنها با دیدن نیازها و مشکلات او، یاد می گیرند که چقدر به پولوس دلگرمی و تسلی داده شده است.

بنابراین پولس می نویسد:

هنگامی که ما نیاز داریم، اجازه دهید شما تشویق شوید تا نجات پیدا کنید.

اگر تشویق شویم، به شما شهادتی تازه خواهد داد. بنابراین شما می توانید با صبر و حوصله رنج های یگدیگر را تحمل کنید.

وقتی به شما فکر می کنیم، بسیار مطمئن هستیم.

زیرا می دانیم که شما دقیقاً رنج را می فهمید و در تشویق های هم شریک شوید.

"درد مشترک نیمی از درد است" -

این ضرب المثل به ذهنم می رسد و می خواهم ادامه دهم: "آسایش مشترک دو چندان است: راحتی و تشویق!"

همانطور که پولوس رسول در نیاز و رنج با کلیسای قرنتس شریک است، او نیز می تواند به مردم تسلی دهد.

او می داند که خدا بیشتر از ما می بیند و می فهمد.

بنابراین او می تواند خدا را شکرگزارانه و شادمانه ستایش کند.

اکنون قسمتی از قرن‌تیان را در پایان می‌خوانم:

خدای پدر خداوند ما عیسی مسیح جلال باد!

زیرا او پدري مهربان و خدایی است،

که به هر طریق ممکن دلداری می‌دهد و تشویق می‌کند.

در تمام نیازهای ما، او با آرامش و تشویق به کمک ما می‌آید، و بنابراین ما می‌توانیم دیگران را که نیاز دارند تشویق کنیم:

ما آرامش و دلگرمی را به آنها منتقل می‌کنیم که از خدا می‌گیریم.

همانطور که ما در درجه بسیار خاصی انجام می‌دهیم

با شریک شدن در مصائب مسیح، ما نیز از طریق مسیح تسلی و تشویق را به شیوه‌ای بسیار خاص تجربه می‌کنیم.

پس وقتی سختی‌ها را پشت سر می‌گذاریم، این اتفاق می‌افتد

تا قدرت دلگرم‌کننده و نجات‌دهنده خداوند را تجربه کنید.

و وقتی دلداری و تشویق می‌شویم،

آیا این برای شما هم به معنای دلداری و تشویق است؟ این به شما کمک می‌کند تا با استواری همان رنج‌هایی را که ما تحمل می‌کنیم، تحمل کنید.

بنابراین ما سرشار از امید و اطمینان هستیم، وقتی به شما فکر می‌کنیم، زیرا می‌دانیم:

همانطور که در نیازها شریک هستید، در تسلی و تشویق با ما شریک باشید.

آمین